موضوع: مراجعه 52

مراجعه 52

در مراجعه 49 امام شرف الدین بیش از 40 روایت را در باره فضایل و امامت امیرالمومنین (ع) به درخواست شیخ سلیم آوردند. در مراجعه بعد شیخ سلیم می گوید: ما این روایت را قبول داریم اما مدعای شما که امامت است را اثبات نمی کند. امام شرف الدین در مراجعه بعد گفتند: این روایت بر مدعای ما دلالت دارد برخی به دلالت لفظی و برخی التزامی، و چند روایت دیگر را ذکر کردند.

در مرجعه 51 شیخ سلیم می گوید: همان طور که شما روایاتی را در فضایل امیرالمومنین (ع) نقل کردید، مخالفین شما نیز روایاتی که درباره فضایل خلفا و نیز فضایل پیشتازان انصار و مهاجرین ذکر کرده اند. سخن شما در این باره چیست؟

امام شرف الدین در پاسخ می گوید: ما به فضایل سابقین از مهاجرین و انصار ایمان داریم و فضایل آنان بی شمار است. آیات قرآن و روایات صحیح در این باره کافی است، ولی با تتبع و تدبری که در آنها کرده ایم، آنها را معارض نصوص مربوط به [امامت] علی (ع) و دیگر خصائص و فضایل آن حضرت نیافتیم. آری، مخالفان ما روایاتی را در باب فضایل خلفا و صحابه دیگر نقل می کنند که نزد ما ثابت نیست. معارضه با این روایات، مصادره به مطلوب است که تنها افرادی که اهل مکابره و تحکم می باشند، به آنها استدلال می کنند. این گونه روایات از نظر ما اعتباری ندارد، هر چند نزد مخالف ما معتبر باشد، همان گونه که ما با مخالفان خود به روایاتی که تنها از طریق ما روایت شده، معارضه نکرده و جز به آنچه از طریق مخالفان نقل شده مانند حدیث غدیر و نظایر آن، بر آنان احتجاج نمی کنیم.

علاوه بر این ما در احادیث فضایل که تنها از طریق مخالفان نقل شده تتبع کردیم و هیچ گونه معارضه ای در آنها نیافتیم. این روایات هیچ گونه دلالتی بر خلافت ندارند، بدین جهت هیچ کس به آنها بر خلافت خلفای سه گانه استدلال نکرده است.[[1]](#footnote-1)

فضایل پیشتازان از صحابه

این مطلب هم در قرآن کریم و هم روایات آمده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. سوره انفال آیه 72 : « إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ حَتَّى يُهاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلاَّ عَلى‏ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ ميثاقٌ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصير»[[2]](#footnote-2): مسلماً كسانى كه ايمان آوردند ، و هجرت كردند ، و با اموال و جان‏هايشان در راه خدا جهاد نمودند ، و كسانى كه مهاجران را پناه دادند و يارى كردند ، اينانند كه يار و دوست يكديگرند . و كسانى كه ايمان آوردند و هجرت نكردند شما را از دوستى آنان هيچ سودى نيست تازمانى كه هجرت كنند ؛ و اگر در امور دين از شما يارى طلبند ، بر شماست كه آنان را يارى دهيد مگر آنكه يارى دادن شما به زيان گروهى باشد كه ميان شما و آنان پيمان [ متاركه جنگ ] برقرار است ؛ و خدا به آنچه انجام مى‏دهيد بيناست‏.

2. سوره توبه، آیه 100: « وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَ الْأَنْصارِ وَ الَّذينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْري تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظيم‏»[[3]](#footnote-3): پيشگامان نخستين از مهاجران و انصار و كسانى كه به نيكى و درستى از آنان پيروى كردند ، خدا از ايشان خشنود است و آنان هم از خدا راضى هستند ؛ براى ايشان بهشت‏هايى آماده كرده كه از زيرِ [ درختانِ ] آن نهرها جارى است ، در آنجا براى ابد جاودانه‏اند ؛ اين است كاميابى بزرگ‏.

3. سوره فتح آیه 18: « لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنينَ إِذْ يُبايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ ما في‏ قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكينَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَثابَهُمْ فَتْحاً قَريباً »[[4]](#footnote-4): يقيناً خدا از مؤمنان هنگامى كه زير آن درخت [ كه در منطقه حديبيه بود ] با تو بيعت مى‏كردند خشنود شد ، و خدا آنچه را [ از خلوص نيّت و پاكى قصد ] در دل هايشان بود مى‏دانست ، در نتيجه آرامش را بر آنان نازل كرد ، و پيروزى نزديكى را [ كه پيروزى در خيبر بود ] به آنان پاداش داد.

4. سوره فتح، آیه 29: « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً سيماهُمْ في‏ وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْراةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظيما».

5. از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: « صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع بِالنَّاسِ الصُّبْحَ بِالْعِرَاقِ فَلَمَّا انْصَرَفَ وَعَظَهُمْ فَبَكَى وَ أَبْكَاهُمْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ أَمَ وَ اللَّهِ لَقَدْ عَهِدْتُ أَقْوَاماً عَلَى عَهْدِ خَلِيلِي رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِنَّهُمْ لَيُصْبِحُونَ وَ يُمْسُونَ شُعْثاً غُبْراً خُمْصاً بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ كَرُكَبِ الْمِعْزَى يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِيَاماً يُرَاوِحُونَ بَيْنَ أَقْدَامِهِمْ وَ جِبَاهِهِمْ يُنَاجُونَ رَبَّهُمْ وَ يَسْأَلُونَهُ فَكَاكَ رِقَابِهِمْ مِنَ النَّارِ وَ اللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُهُمْ وَ هُمْ جَمِيعٌ مُشْفِقُونَ مِنْهُ خَائِفُونَ»[[5]](#footnote-5) : امير المؤمنين (ع) در عراق نماز بامداد را با مردم خواند و چون رو برگرداند آنها را پند داد و گريست و آنها را گرياند از خوف خدا، سپس فرمود: به خدا در عهد دوستم رسول خدا (ص) مردمى را به ياد دارم كه بام و شام مى‏كردند ژوليده و گرد آلود و گرسنه، ميان دو چشمشان چون سر زانوى گوسپند داغ سجده داشت، با سجده و عبادتِ پروردگار شب را به سر مى‏برند و به نوبت گام و پيشانى بر زمين مى‏سائيدند، با پروردگار خود مناجات مى‏كردند و از او درخواست مى‏كردند آنها را از دوزخ آزاد كند، به خدا ديدم كه آنها با اين حال ترسان و نگران بودند.

6. امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه می فرمایند: « «اللهم و أصحاب محمد خاصة الذين أحسنوا الصحبة و الذين أبلوا البلاء الحسن في نصره، و كاتفوه و أسرعوا إلى وفادته، و سابقوا إلى دعوته، و استجابوا له حيث أسمعهم حجة رسالاته، و فارقوا الأزواج و الأولاد في إظهار كلمته، و قاتلوا الآباء و الأبناء في تثبيت نبوته، و انتصروا به، و من كانوا منطوين على محبته، يرجون تجارة لن تبور في مودّته، و الذين هجرتهم العشائر. إذا تعلّقوا بعروته، و انتفت منهم القربات، إذا سكنوا في ظل قرابته، فلا تنس اللهم ما تركوا لك و فيك، و أرضهم من رضوانك، و بما حاشوا الخلق عليك، و كانوا مع رسولك، دعاة لك إليك. و اشكرهم على هجرهم فيك ديار قومهم، و خروجهم من سعة المعاش إلى ضيقه، و من كثرت في إعزاز دينك من مظلومهم. اللّهم و أوصل إلى التابعين لهم بإحسان الذين يقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا ».

علامه مجلسی در ج 22 بحار در فصلی به اوصاف اصحاب پیامبر (ص) پرداخته است. ایشان در تبصره ای می فرماید: همه کسانی که اطراف پیامبر (ص) بودند دارای این فضایل نبودند، بلکه این فضایل شامل کسانی است که تا آخر ثابت قدم ماند اما شامل حال منافقن و کسانی که ابتدا جانفشانی کردند اما بعد ارتداد پیدا کردند نمی شود.[[6]](#footnote-6)

عدالت صحابه

در باره عدالت صحابه مساله ما بین شیعه و اهل سنت اختلاف نظر است. اهل سنت معتقدند که همه صحابه عادل هستند اما شیعه و برخی مذاهب دیگر آن را قبول ندرند. شیخ سلیم در آخر کتاب المراجعات به مرحوم علامه می گوید: ادله ای که شما گفته اید برای انسان منصف مورد قبول است اما مشکلی است که شما نمی توانید آن را حل کنید و آن عمل صحابه است. این ادله معارض است با کسانی که در سقیفه جمع شدند. اگر بگویید اینها را نمی دانستد که اشتباه است، اگر بگویید اینها به این زودی آن سوابق مهم را خود را کنار گذشتند که قابل پذیرش نیست. امام شرف الدین پاسخ ایشان را می گویند که در جای خود بیان می شود.

عدالت صحابه در میان اهل سنت چیزی قریب به مساله عصمت در میان شیعه است. ما می گوییم ائمه اطهار (ع) معصوم هستند و لذا اگر رفتاری از آنان صادر شود که برای ما قابل درک نباشد با مساله عصمت آن را حل می کنیم. اهل سنت تنها به عصمت پیامبر (ص) قائل هستند و بعد از پیامبر کسی را معصوم نمی دانند، اما می گویند اجماع معصوم است.

سوال: چرا اهل سنت مساله عدالت الصحابه را علم کردند و قداستی در حد قداست عصمت بر آن پوشانده اند؟ در این باره می توان گفت: از آنجا که صحابه برای تعیین خلیفه اقدام کردند، اگر عدالت صحابه را برداریم پایه مذهب اهل سنت فرو می ریزد، لذا چیزی بنام عدالت الصحابه را مطرح کردند تا بتوانند بر اساس این تکیه گاه از مذهب خود دفاع کنند. آنان می دانند که اگر باب نقد صحابه باز باشد این نقدها به افراد حساس هم کشیده می شود و لذا اصل باب آن را می بندند.

در بخاری روایات فراوان در باره ارتداد برخی از صحابه آمده است. برخی برای توجیه این روایات گفته اند مراد از صحابه امت است. اما برخی از کسانی که در این روایات آمده است از شاخصین و بیت کنندگان رضوان هستند.

نکته دیگر اینکه در ذیل آیه سوره فتح که درباره صحابه بیان شده آمده است: خدای متعال وعده داده است آن گروه از صحابه که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند را اجر دهد. این نشان می دهد عده ای بر عهد خود باقی نماندند.

به طور کلی می توان گفت اصحاب النبی (ص) سه دسته بودند: برخی خالص بودند؛ برخی دیگر منافق بودند و برخی افراد سست ایمان بودند «و ترکوک قائما». همان کسانی که در جنگ ها وقتی معرکه دشوار می شد فرار می کردند. بنابراین نباید همه اصحاب را فله ای حساب کرد.

صحابه از آن نظر که صحابی پیامبر (ص) هستند مورد احترام اند کما اینکه همه ازواج پیامبر از آن زاویه که زوج النبی هستند مورد احترام هستند، اما اگر آنان از مسیر صحیح زاویه پیدا کردند و در گفتار و رفتارشان عیب و نقصی باشد و دلیل بر آن داشته باشیم، مساله فرق می کند.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، ص 260- 261 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره انفال، آیه 72 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره توبه، آیه 100 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره فتح، آیه 18 [↑](#footnote-ref-4)
5. بحارالانوار، ج22، ص 306 [↑](#footnote-ref-5)
6. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج22، ص 313 [↑](#footnote-ref-6)